

لاهم صلوات الله على محمد وآله

گفت و شنودی با استاد نظام العلماء، خطاط

نستعلیق اوج هنر خوشنویستی

من از هشت سالگی عشق و علاقه بسیاری نسبت به خط در خود احساس می‌کردم و چون در آن زمان کسی را نمیشناختم تا زیر نظرش آموزش بگیرم بعد از اینکه از مدرسه بیرون می‌آمدم به مقابل مسجد آیت الله مطهری میرفتم و به خطوط مختلف کتیبه‌های سردر مسجد خیره میشدم تا بتوانم طرز نگارش آنها را حفظ بشوم و تا آنجا که توانم اجازه میداد از آن خطوط نمونه برمیداشتم، تا آن هنگام که آسمان تاریک میشد و دیگر نتوان دیدن برابم باقی نمیماند. پس از رفتن به منزل از روی خطوط نمونه برداری شده و از آنچه که در مغزم نقش بسته بود با قلم و دوات شروع به

جهانگیر نظام العلماء، متولد سال ۱۳۱۳ در تهران است و از شاگردان استاد علی اکبر کاوه محسوب میشود.

استاد علی اکبر کاوه، خود نیز از قدیمیترین شاگردان مرحوم عمادالکتاب السیفی است که با چیره‌دستی به حفظ شیوه آن مرحوم همت گماشت و آنچه را که آموخت در طبق اخلاص پیشکش شاگردان خود نمود. و نظام العلماء از بین هنرآموختگان محضر استاد کاوه از معدود کسانی است که خط نستعلیق را به استاد نزدیکتر می‌نویسد. فصلنامه هنر به روال معمول خود که همانا ارج نهادن به این هنر اسلامی است اینبار نیز به پای صحبت نظام العلماء می‌نشیند:



استواریم را ثابت کردم و وقتی که به سن بیست‌سالگی رسیدم فکرمی کردم که دیگر کسی در ایران، درخوشنویسی به قدرت من نیست تا اینکه مطلع شدم کسان دیگری هم هستند که من آنها را نمی‌شناختم. بهرحال مدتی تلاش کردم تا بتوانم توسط کسی به حضور ایشان معرفی شوم و بالاخره خوشبختانه به حضور استاد کاوه معرفی شدم. در این مرحله متوجه شدم که خط من، خطی وحشی اما محکم بوده است، بطوری که وقتی استاد دیدند اینگونه تشریح کردند که خط این جوان مثل نسترن وحشی است که باید پرورش صحیح بیابد و من از لحظه‌ای که حضور ایشان معرفی شدم تا به امروز لحظه‌ای از فعالیت و تلاش و هم‌چنین از تعالیم ایشان غافل نشده و شب و روز به نوشتن اشتغال دارم. یاد می‌آید روزی که در حضور استاد کاوه بودم و مورد راهنمایی ایشان قرار گرفتم و چند سرمشق به من دادند، آنروز پس از مرخصی تا خانه می‌دویدم تا هر چند زودتر بتوانم از روی سرمشق‌ها، مشق بنویسم و پس از رسیدن به خانه تا طلوع آفتاب روز بعد مشغول سیاه مشق بودم و هر چه می‌نوشتم تشنگی من نسبت به خط بیشتر میشد. تا اینکه سی سال پیش، روزنامه اطلاعات، مسابقه‌ای را جهت برگزیدن خطاط ترتیب داد و منم با کمال ناامیدی در آن شرکت کردم و سرانجام توانستم در مسابقه برنده شوم و از آن پس به عنوان خوشنویس در روزنامه اطلاعات بکار مشغول شدم. البته در آن زمان تجربه چندانی نداشتم و تحت نظر نقاشان، گروه‌های گرافیک و طراحان تبلیغاتی برای سالیان دراز آموزش دیدم و در ضمن از محضر استاد کاوه

مشق می‌کردم. مشق خیالی از روی خطوط میرزا غلامرضا.

روز بعد مجدداً خطوط و مشق نوشته شده را به مقابل مسجد می‌بردم و با خط اصلی مقایسه می‌کردم تا عیب و ایراد کارم را برطرف سازم و این کار من دوازده سال ادامه داشت.

این کتیبه‌های خاموش سر در مسجد، اولین استاد من محسوب میشد. استادی که با مناعت طبع، آنچه را که داشت به من مشتاق و شیفته خط عرضه می‌کرد و حکم استادی را داشت که همواره مرا زیر نظر دارد تا پایداری، مقاومت و عشق را محکم بزند و منم طی دوازده سال،

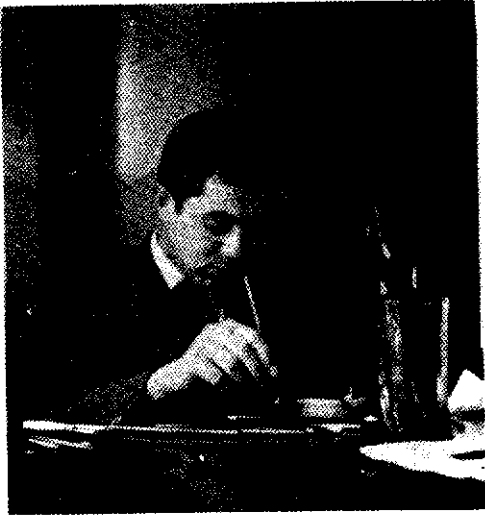
صبر با صفت بزرگترین درس آزاد

به نظر من هنر خوشنویسی انتهائی ندارد و من پس از ۳۰ سال، هنوز هم از محضر استاد کاوه استفاده می‌کنم. البته در همان چهار پنج سال اول درخشش چشمگیری در کارم احساس شد، معیذا هنوز احساس می‌کنم که به کمال نرسیده‌ام و فکر نمی‌کنم که کسی بعنوان خوشنویس بتواند ادعا کند که به مرحله کمال رسیده است و یکی از علل پیشرفت انواع هنرها هم همین است که هنرمند می‌بایست تالحظه مرگ، چه مستقیم و چه غیر مستقیم آموزش به‌بیند. من حتی در کلاس درس از شاگردهایم می‌آموزم و بارها اتفاق افتاده است که در قبال سوال هنرجویی، مجبور به تفحص و تعمق شده‌ام و این، خود باعث شده است که من به اطلاعات و تجربیات جدیدتری دسترسی پیدا کنم.

کسب تجربه و معلومات می‌کردم و با کلاس‌های آزاد خوشنویسی همکاری می‌کردم، البته این کلاس‌ها، بعداً به انجمن خوشنویسان ایران تغییر نام داد ولی در آن زمان برای مدت چندسالی رابطه‌ام را با این کلاس‌های آزاد خوشنویسی قطع کردم و پس از انقلاب همکاری مجدد را با انجمن آغاز نمودم و چون قرار بر این شد که انجمن خوشنویسان، پس از انقلاب توسط شورائی یازده نفره منتخب از یکصد و بیست نفر خوشنویس تهران و شهرستان‌ها اداره شود به عنوان یکی از اعضای شورا انتخاب شدم.

* شما بطور مفید و مستمر، چند سال در محضر استاد کاوه و تحت تعلیمات ایشان قرار گرفتید تا به مرحله کمال و آنچه که مطلوب خودتان بود برسید؟





* شما چه شیوه‌ای را در خوشنویسی برگزیده‌اید و چه شیوه‌ای را می‌پسندید؟.

بعد از اینکه میرزا رضای کلهر در خط نستعلیق تغییراتی داد و راه کلهر را عمادالکتاب در پیش گرفت و تمام دانش و اندوخته خود را در زمینه خط به استاد کاوه منتقل کرد، منم تحت تعلیمات استاد کاوه قرار گرفتم.

و نیز بدلیل اینکه خط نستعلیق از زیباترین خطوط است و منم به این خط علاقه مندم شیوه عمادالکتاب را برگزیده‌ام.

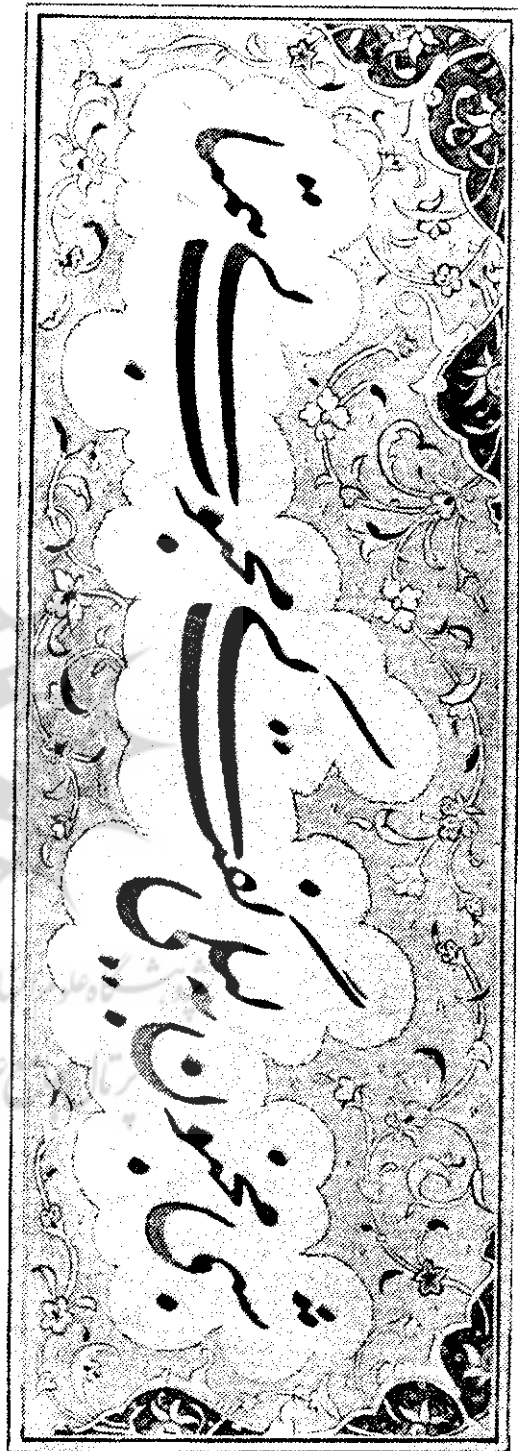
شما فکر نمی‌کنید که وارد شدن نقاشی در خط به این دلیل است که خط به تنهایی بار و رسالت خود را نتوانسته به سرانجام برساند و بطور گسترده و آنطور که می‌بایست در جامعه مطرح بشود و لذا بدلیل همین نقیصه و نداشتن جذابیت همه گیر، نقاشی به کمک آن می‌رود تا بهتر بتواند به نیازهای مورد نظر پاسخ بگوید، همانطور که در این سالهای اخیر، یعنی سالیان پس از انقلاب شاهد ابعاد وسیع‌تری از خط-نقاشی هستیم و این بدلیل همان احساس نیاز خاص جامعه نوپای **پس از انقلاب** است؟

به نظر من خوشنویسی محدوده معینی دارد، تنوع و گوناگونی‌ای که در سایر هنرها به چشم می‌خورد در این هنر دیده نمیشود و ممکن است که از نظر نمایشگاهی هم آن جذابیتی را که سایر هنرها دارند نداشته باشد لذا تذهیب کارانی به کمک خط آمدند و با استفاده از نقوش و رنگهای مختلف به خط جلوه‌ای دیگر دادند، منتها اساتید مذهب و خوشنویسان نمی‌توانستند با هم حرکت کنند چون ابراز این دو شیوه از دو احساس گوناگون سرچشمه می‌گرفت. در حالیکه در خط-نقاشی این دو احساس از ذهن یک هنرمند منشأ می‌گیرد و خود خوشنویس با نقاشی

به خط کمک می‌کند و می‌بینیم که با استقبال مردم هم روبرو شده است در خط، کمبودهایی چه از نظر فرم و چه از نظر رنگ وجود داشته و لازم هم هست که خط در صور مختلف متجلی بشود. تلفیق خط با معماری همواره مطرح بود و انجام میشده است بطوری که زیباترین بناهای اسلامی دارای روئناهایی مزین به خط هستند و این به دلیل همین توجه بیش از اندازه به خط است. در گذشته هم کسانی بودند که در خط از اشکال گوناگون سود می‌جستند، مثلاً مرغ بسم... را با استفاده از خط می‌نوشتند و آرایش می‌کردند ولی وقتی که رنگ بکمک خط آمد برای بیننده تنوع بیشتری ایجاد کرد. البته باید متذکر شد که این شیوه به شرطی مجاز است که به اصالت خط خدشه‌ای وارد نکند و معیارهای سنتی آن را در هم نریزد چون در غیر این صورت باعث مغشوش شدن ذهن بیننده میشود، همانگونه که اکنون حروف جدید این کار را کرده‌اند و مردم با مدل‌های اصیل خط بیگانه شده‌اند و

بنظر من چند دلیل وجود دارد. اول اینکه خط، والاترین هنر اسلامی است و این منطقی است که در یک جامعه اسلامی به این هنر ارجحیت بیشتری نهاده شود. از سوی دیگر در حاشیه قرار گرفتن برخی هنرهای دیگر و احیاناً بسته شدن دانشکده‌های هنری طی همین چند سالی که تمامی دانشگاهها بسته بود و از طرفی همانطور که عرض کردم کمک و یاری دولت در به نمایش گذاشتن خط و تخصیص کادر قابل توجهی به انجمن خوشنویسان بود. چون قبلاً کادر انجمن بسیار محدود و نارسا بود و این انجمن در حال حاضر دارای حدوداً ۵۰ مدرس هست و با ظرفیتی چهار برابر بیش از آنچه که قبل از انقلاب داشت. هر چند که باز هم بنظر من این کادر کافی نیست و وزارت ارشاد و آموزش و پرورش در حد امکان می‌بایست کمک‌های بیشتر بکنند و با تمام ضعفهایی که وجود دارد خوشبختانه دست‌اندرکاران انجمن با کوشش بسیار سعی در مطرح کردن و آموزش بیشتر این هنر را دارند. همچنین ما دارای کلاس‌های مکاتبه‌ای هستیم. مثلاً هنرجو از شهرستان نامه می‌نویسد، نامه به استاد مربوطه میرسد و آموزش و حک و اصلاح هنرجو توسط استاد پاسخ داده و ارسال میشود و خود من حدود ۲۰ شاگرد مکاتبه‌ای دارم و سایر اساتید هم دارای چنین شاگردانی هستند و ما می‌بینیم که استقبال بیش از حد است و امکانات ما پاسخگوی اینهمه تقاضا نیست.

* قبل از انقلاب برخی از هنرمندان خوشنویس، بیشتر به جنبه‌های فرمالیستی خط تکیه می‌کردند و خط را از محدوده سنتی خارج و بگونه‌ای نومطرح می‌نمودند بطوری که فرم نسبت به محتوی ارزش





به ترتیب از چپ به راست:

استادان، علی آقا حسینی - جهانگیر نظام العلماء - ابراهیم
بوذری - علی اکبر کاوه و محمد ولی کیمیا قلم

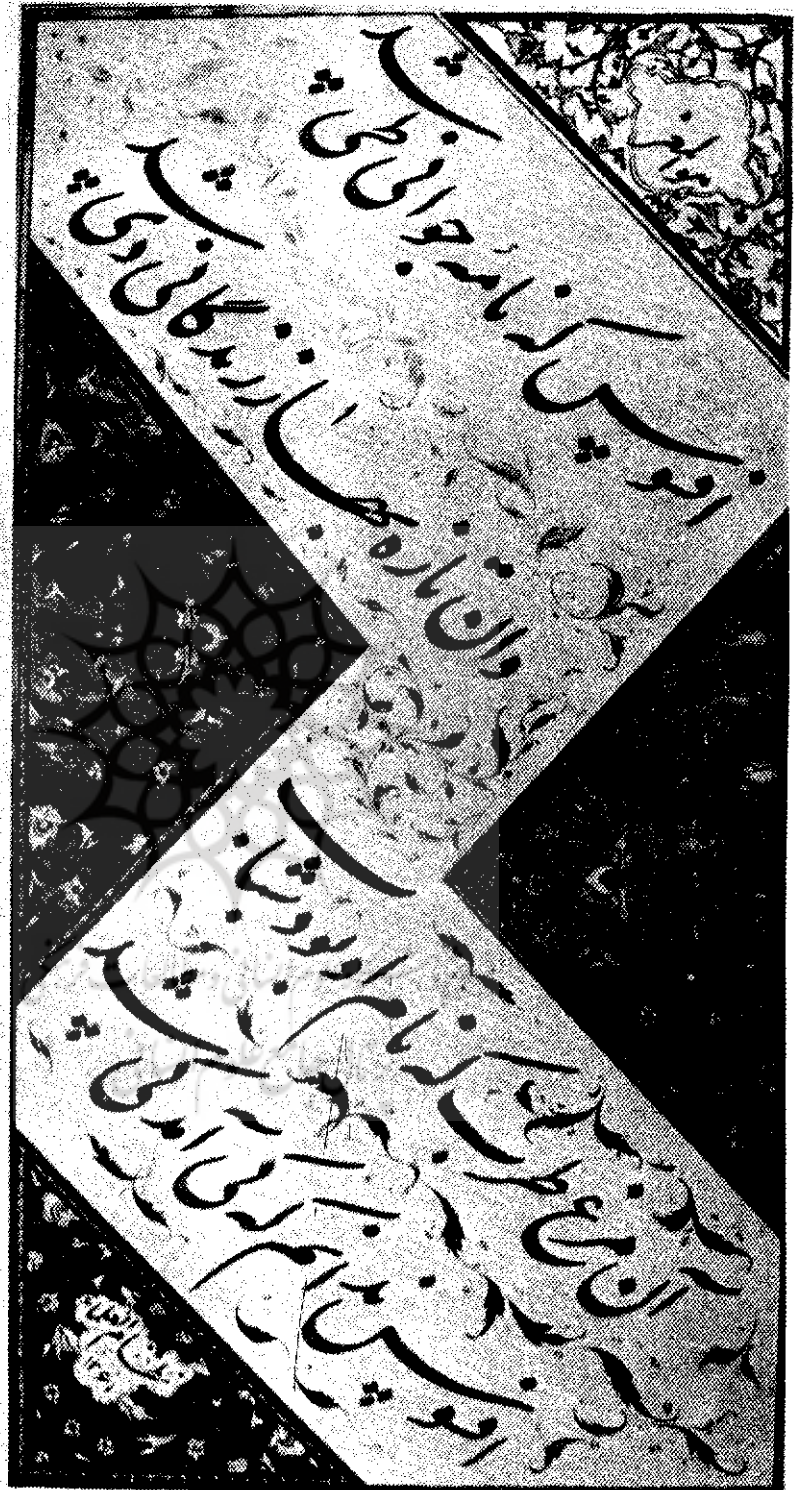
جادارد که چنین فعالیت هائی بشود. چون خط سنتی دارای ابعاد وسیع نمایشگاهی نیست و تنها به عنوان خط مادر بسیار ارزنده است و می بایست از آن به عنوان خمیر مایه در شیوه های مختلف هنری سود جست.

علیرغم تلاش و کوشش بزرگان خط در جهت هر چه بهتر و زیباتر کردن خط نستعلیق فکر می کنید هنوز جای دگرگونی و تغییر در این خط وجود دارد؟
به اعتقاد من هیچ هنری نمی تواند بکمال برسد و جایی برای دگرگونی نداشته باشد. اما نباید از یاد برد که بزرگان این خط، طی هفتصد سال، با قبول رنج و مشقت های بسیار، چنان عرصه را برای هر نوع نوآوری و تغییر تنگ کرده اند

بیشتری می یافت. آیا بنظر شما این طریقه ی پرداختن به خط توانست در جامعه مطرح بشود و آیا بازده مثبتی جهت معرفی خط داشت و یا کوشش و تلاشی بود بی نتیجه؟

من فکر می کنم که این شیوه در جهت معرفی خط و خوشنویسی بسیار موثر بود، چون این افراد دید نقاشی داشتند و از خط به عنوان خمیر مایه آثارشان استفاده می کردند و از نظر نمایشگاهی هم بسیار موفق بود و می توانست مردم را به شوق بیاورد. مثلاً کارهای مرحوم مافی و احصائی، مرحوم پیل آرام، افجه ای، رسولی، خدماتی بود که در زمینه خط شد و این خدمات را به هیچ عنوان نمی بایست از یاد برد و اکنون هم





میخافس

دوش از جناب آصف پیک بشارت آم
 کز حضرت پیمان عشرت اشارت آم
 خاک وجود ما از آفت دیده تر کن
 ویران سپهری دل را گاه عمارت آم
 این شرح بی نهایت کز زلف پارکنند
 حرفی است از هزاران کلمه عبارت آم
 عیسم سویش ز مصفای خرقه می آلود
 کان پاک پاکدامن به زیارت آم
 امروز جای هر کس پیدا شود ز خوابان
 کان ماه مجلس است و ز اند صدارت آم
 بر تخت جم که تاجش محراب آفتاب است
 همت نگر که موری با آن تحارت آم
 از چشم شوخش ای دل ایمان خود کند
 کان جادوی کاکش بر غم غارت آم

آلوده تو حافظ فیضی ز شاه در خوا

کان عنصر ساحت به طهارت آم

مژده ای دل که میخافس میآ
 که ز انعاس خوش بوی کسی میآ
 از غم دور دکن ناله و فریاد که دوش
 زوایم خالی و فریاد سی میآ

نظام العبد

حکایت

نوآوری بخیل پستی برگر بود که در صورت آنست که در هر دو تم قرآن کنی بیدل سببان باشد که خدای تعالی شاد بختی باشد فرزند
گفت ختم صحیح بخود را بیک که در دست صاحبی بشید و گفت بخش بدت آن هشتم از نماز قرآن بر سر زبانت زود رسان جان

دیباچه درون طاعت نماز

دیناری چو سحر در گل بنام

گوش سحر را بوی است این

در اکبری خواهی صد بگو

خط به صورت سنگی بود و بدین جهت از زیبایی
خط کاسته میشد ولی اکنون با پیشرفت صنعت
چاپ اگر خط دارای نارسائی هائی هم باشد با
روش های مختلف و کوچکتر کردن آن می توان
نارسائی آنرا رفع کرد و از این طریق به زیبایی
آن افزود. در هر صورت خیلی بعید به نظر می رسد
که بتوان دگرگونی های اساسی در خط پدید
آورد.

* آیا انواع دیگر خط ، بگونه ای فعال، هنوز در
کنار خط نستعلیق به کار گرفته میشوند و آیا خط
نستعلیق توانسته است در خطوط سایر مللی که با
خطوط اسلامی می نویسند تأثیراتی بگذارد؟

انجمن خوشنویسان پایه و اساس خط را بر
زیباترین آنها که همانا نستعلیق است قرار داده

که خیلی بعید می توان دگرگونی هائی در آن
بوجود آورد.

نوآوری در خط، درست به مانند نوآوری در
شعر کهن است، شعری که در گذشته تمامی
مضامین را مورد استفاده قرار داده و تمامی
سبک ها را آزموده اند. اما نباید از نظر دور داشت
که خیلی ها هم، در زمان حال بسیار خوب کار
کرده و خدمات ارزنده ای نسبت به خط انجام
داده اند. اساتیدی چون امیرخانی - اخوین -
سلحشور - فرادی - خروش - مرحوم یزدانی -
کسانی هستند که زحماتشان فراموش نشدنی
است. البته صنعت چاپ و تکنیک های مختلف
چاپ هم از لحاظی در جهت زیباتر نمودن خط
دارای سهم جداگانه ایست. در زمان قدیم، چاپ

خردگانه حکما شریزاد

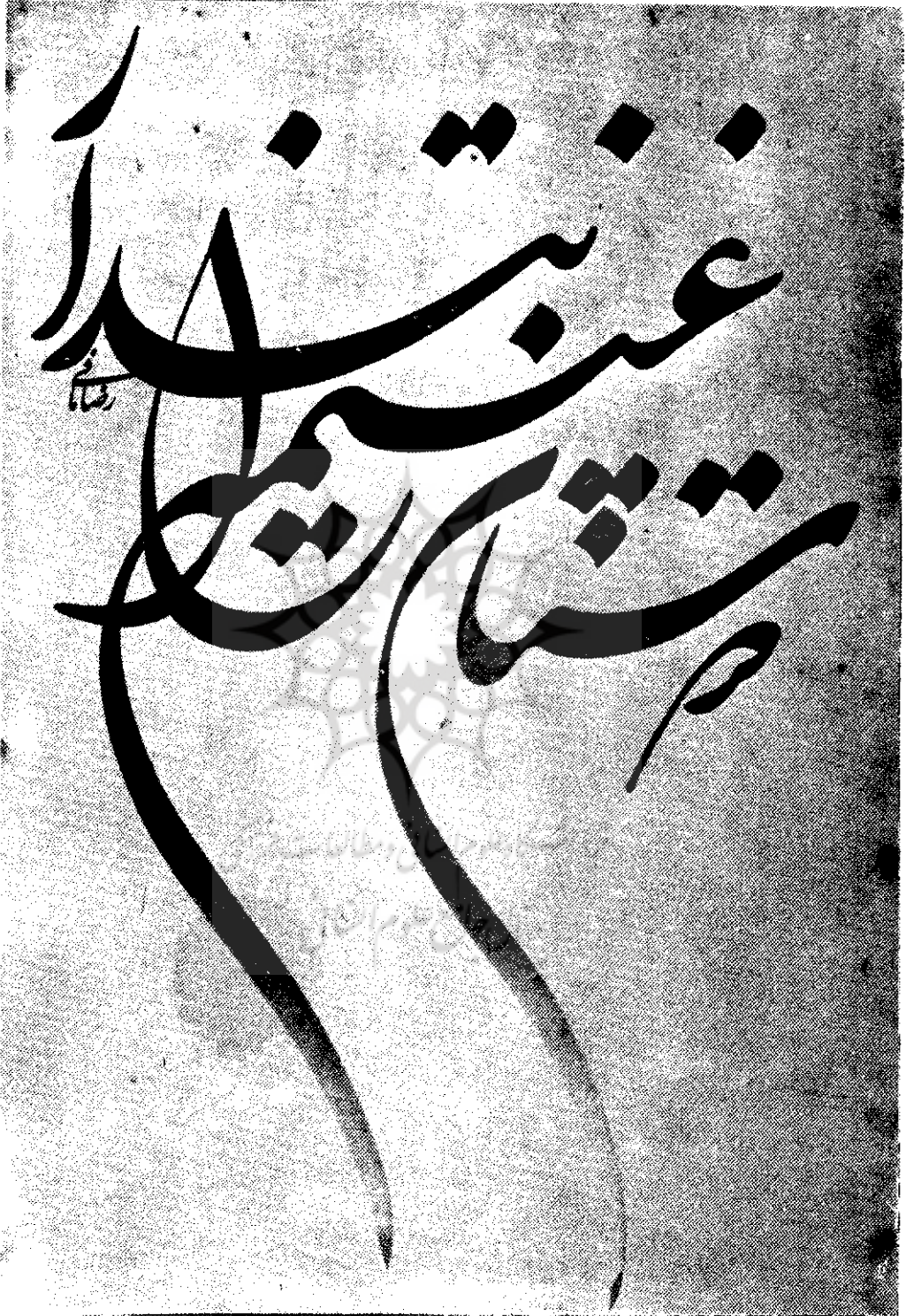
۱۳۹۹
امیرخانی

به شکل ابتدائی. مثلاً در افغانستان نوعی خط نستعلیق مرسوم است که کمی دورتر از شیوه میرعماد به نظر می رسد و خودشان فکر می کنند که ادامه دهنده خط میرهستند. این خطاطان، بیشتر از دورها و مدهای خیلی بلند استفاده می کنند. در مصر نیز به عماراتی برخورد کردم که کتیبه های آنرا با خطوط خودشان، ولی اسم شخصیت مورد نظرشان را به خاطر احترام بیشتر و معجزا نمودن آن از سایر قسمت ها به خط نستعلیق نوشته بودند. این امر از سوئی بازگو کننده اهمیت خط نستعلیق و از سوی دیگر علاقه دیگران به این شیوه است ولی از آنجائی که نگارش این خط بسیار سخت است گمان می رود که آنها قادر به اجرای آن بصورتی که نزد ما معمول است نباشند و در نتیجه همین حد مختصری هم که اجراء

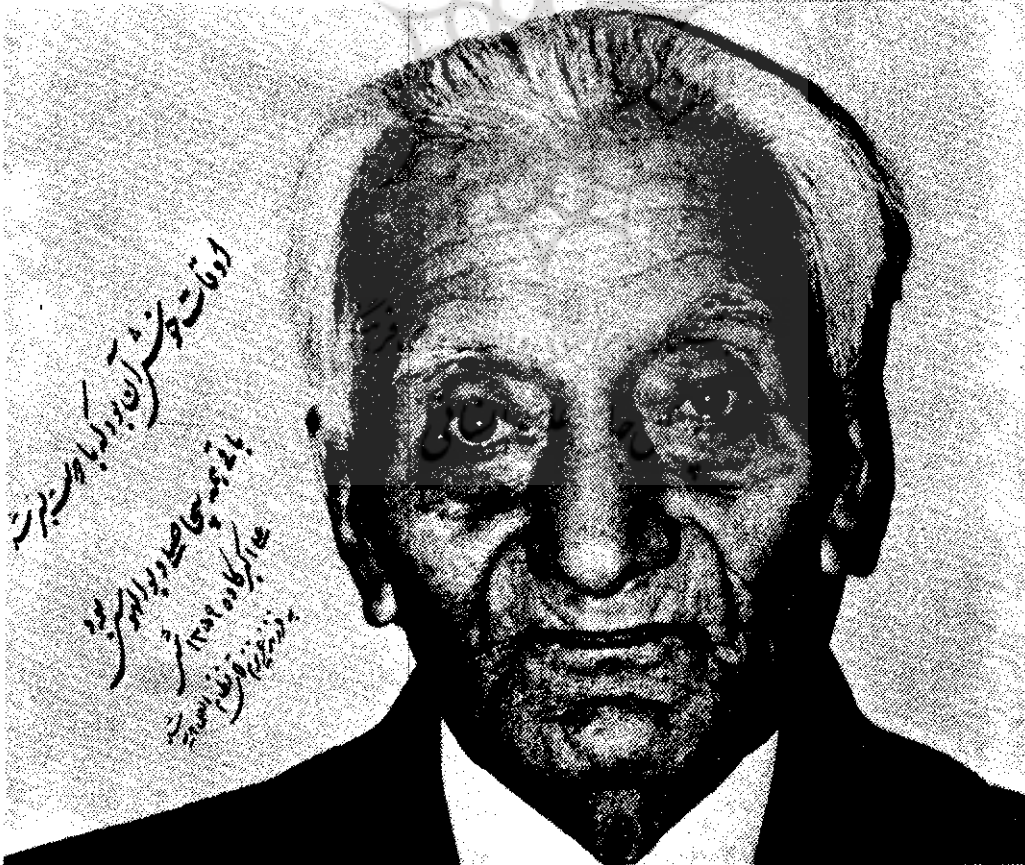
و معتقد است که خطوط دیگر نسبت به نستعلیق نازیا هستند. البته در گذشته، شیوه های دیگری هم وجود داشت که کم کم منسوخ شد. حتی در دوره قاجاریه، شیوه ای در کتیبه نویسی به نام شیوه میرزا غلامرضا مطرح شد که چندان مورد استقبال قرار نگرفت، هر چند که این شیوه برای کتیبه نویسی بسیار مناسب بود، بطوری که می توانیم بگوئیم که کتیبه نویسی به میرزا غلامرضا ختم شده است و تا به امروز هم کسی کتیبه ای به آن زیبایی ننوشته است ولی این شیوه کتیبه نویسی را نمی توان برای کتابت مورد استفاده قرار داد.

در مورد تاثیرات نستعلیق در سایر کشورها باید بگوئیم که در کشورهایی مثل افغانستان، پاکستان و هندوستان خط نستعلیق وجود دارد اما

مثلاً کارهای مرحوم مافی و... از خدماتی بود که در زمینه خط شد.



محمد رسول اللہ



مامرشد عشاق خرابا بهتجهانم

که هر روز تمرین داشته باشد. در غیر این صورت خط، سیرنزولی پیدا می کند چنانکه میرزای کلهر در این مورد می گوید که اگر خوشنویس یک روز ننویسد خودش می فهمد. اگر دو روز ننویسد خانواده اش می فهمد و اگر سه روز ننویسد همه شهر می فهمند. با این اوصاف، ما متوجه این نکته می شویم که خطاطی کار آسان و راحتی نیست و این، شاید از دلایلی باشد که مانع از کار خوشنویسی خانم ها می شود.

تصحیح وپوزش

در شماره پنجم فصلنامه هنر، در مقاله «دنیای خطوط، دنیائی عجیب و حیرت انگیز» نام استاد قربانعلی اجلی (واتق) اشتهاً غلامعلی درج شده بود که بدین وسیله ضمن پوزش تصحیح می گردد.

می کنند برای ماحالت ابتدائی را دارد، چرا که مهد راستین خط زیبای نستعلیق، کشور اسلامی ایران است.

* چطور در تاریخ خوشنویسی کمتر با خانمی خطاط روبرومی شویم و یا اصلاً مواجه نمی شویم؟

در گذشته ها بندرت اتفاق می افتد که خانمی خط خوشی داشته باشد و یا اگر هم کسانی بوده اند که دارای خط خوش بوده اند بدلائل خاص اجتماعی آن دوران به طور گسترده مطرح نشده اند و در این اواخر خانمی بوده به نام مهام که می گفتند خط خوشی دارد. اما در حال حاضر هنرجوی خانمی دارم بنام پروین حیدری نسب که دوره چهارساله ممتاز را در مدت سه سال تمام کرده و کارش بسیار عالی و پرارزش است و جادارد که به عنوان خانم خوش نویس ذکر نامی از او بشود و من فکر می کنم که خانم ها به علت مسئولیت های مختلف کمتر موفق می شوند که به این مهم بپردازند، چون کار بسیار شاق و پرحمתי است و خطاط می بایست